دریچه

افشارزاده بدون استعفا از استقلال رفت!

پورحیدری، مامور انتخاب سرمربی

شهروند| با وجود این که بار دیگر هدایت سرخابی‌ها به دست وزارت ورزش افتاده اما به نظر می‌رسد باشگاه استقلال بعد از یک‌سال دچار تغییرات مدیریتی می‌شود و پس از آن باید به فکر انتخاب سرمربی باشد.

جدایی افشارزاده

بهرام افشارزاده که سال گذشته با اصرار وزیر ورزش مدیرعاملی باشگاه استقلال را قبول کرد، حالا بعد از یکسال بار دیگر با تصمیم گودرزی یک پست جدید گرفت. صبح دیروز در جلسه وزیر ورزش با افشارزاده، گودرزی به مدیرعامل استقلال پست مدیرکل حوزه وزارتی را پیشنهاد کرد که افشارزاده نیز آن را پذیرفت. با این وضع به نظر می‌رسد مدیرعامل استقلال در جلسه فردای هیأت‌مدیره استعفایش را اعلام کند تا در وزارت ورزش مستقر شود.

ماموریت پورحیدری

در حالی که خبر جدایی افشارزاده داغ بود، وی در حکمی منصور پورحیدری را به‌عنوان مسئول انتخاب سرمربی استقلال برای فصل آینده برگزید. جالب این که پورحیدری از حکمی که برایش صادر شده، ابراز بی‌اطلاعی کرده است: «نه حکمی به دست من رسیده و نه کسی با من تماس گرفته که چنین مسئولیتی را قبول کنم. این مسأله باید در هیأت‌مدیره انجام شود نه این که یک شخص بخواهد به تنهایی مسئول مذاکره با مربیان یا گرفتن برنامه از آنها شود.»

معرفی ۵ گزینه نهایی

در حکمی که برای پورحیدری صادر شده رسما از سوی باشگاه اعلام شده که ۵ گزینه داخلی مورد بررسی این باشگاه برای سرمربیگری استقلال قرار می‌گیرند. با این حال اگر قرار بر تغییر مدیریت در باشگاه استقلال باشد، انتخاب سرمربی به این زودی صورت نخواهد گرفت. مظلومی، فیروز کریمی، زرینچه، منصوریان و نامجومطلق گزینه‌های سرمربی‌گری استقلال هستند که برنامه‌های خود را به پورحیدری ارایه خواهند داد.

مدعیان به صف شدند

با مطرح شدن بحث جدایی افشارزاده برخی از مدیران سابق این باشگاه برای جانشینی گزینه هستند. صحبت‌هایی درباره بازگشت امیررضا واعظ آشتیانی می‌شود اما خودش این موضوع را تکذیب کرده است. البته از سویی دیگر علی فتح‌الله‌زاده نیز اعلام کرده که لیست بازیکنان و برنامه‌های او برای فصل آینده آماده است و می‌خواهد به صورت ۳ ساله باشگاه استقلال را اجاره کند. در نهایت باید دید برنامه جدید مدیران وزارتخانه برای باشگاه استقلال که در سال‌های اخیر کمتر از رقیب سنتی‌اش درگیر تغییرات بوده، چیست.

صرفا جهت اطلاع!

انتقاد مجدد کی‌روش| کارلوس کی‌روش، سرمربی تیم‌ملی دیروز انتقادهایی از مسئولان ورزش ایران انجام داد. این، جملات او است: «متاسفانه این واقعیتی است که بعد از تمام قول‌هایی که داده شد مشکلات مالی ما همچنان پابرجاست. بسیار کار سختی است ادامه دادن کارها وقتی که حمایت‌ها و قول‌ها عملی نشود. اگر مشکلات را تکرار کنم مطمئنم که شخصی می‌آید و من را پسر بد و آدم بد فوتبال معرفی می‌کند. برای من این مسأله مهم نیست. من از منافع فوتبال ملی ایران حمایت می‌کنم. آمادگی ادامه این بازی را نداریم. بازی که درنهایت باعث می‌شود ما از پا دربیاییم.»

استعفای صالح از تیم امید| بلاتکلیفی‌های کادرفنی تیم فوتبال امید، حوصله مجید صالح را سر برد و باعث شد دستیار اول خاکپور از سمتش استعفا کند. صالح دراین‌باره گفته است: «کاشانی مرحله اول قراردادها را پیش برده است و قرار شده برای ۴ ماه اول حقوق‌ها پرداخت شود. اگر قرار است از این به بعد ادامه همکاری صورت گیرد باید مجددا قرارداد امضا شود. البته چند پیشنهاد سرمربیگری در لیگ برتر هم دارم و می‌خواهم شانس خود را مجددا در لیگ امتحان کنم.»

مرادی، سهمیه المپیک نگرفت| رقابت‌های ماراتن جایزه بزرگ سوئد، روز گذشته برگزار شد و محمدجعفر مرادی، نماینده دوومیدانی ایران عنوان نایب‌قهرمانی را به خود اختصاص داد. مرادی در این رقابت موفق شد با ثبت زمان ۲:۲۱:۰۹ به‌عنوان دومین نماینده از خط پایان عبور کند و بعد از «یکبر بایابل» از اتیوپی به مقام دوم برسد. او با این نتیجه سهمیه المپیک را از دست داد.

برخورد عجیب فدراسیون با یک داور| فرزین صالح، داور ملی فوتسال که چندی پیش از کفاشیان و افتخاری برای برگزاری مراسم ازدواج خود تقاضای پرداخت حقوق عقب‌افتاده‌اش را کرده بود، با ممانعت رئیس کمیته فوتسال برای پرداخت پولش روبه‌رو و همین مسأله باعث شد تا او مصاحبه تندی علیه مسئولان فدراسیون کند. دیروز از حراست فدراسیون فوتبال با وی تماس گرفته شد تا او به فدراسیون برود و درباره مصاحبه‌اش توضیح دهد. جالب‌تر این که صالح با محرومیت هم مواجه شده‌است!

خداحافظی فردیناند از فوتبال| ریو فردیناند که تابستان گذشته بعد از ۱۲ فصل حضور در منچستریونایتد به تیم لندنی کوئینز پارک رنجرز نقل مکان کرده بود به دنبال سقوط این تیم به لیگ قهرمانی تصمیم به خداحافظی همیشگی از دنیای فوتبال گرفت. این مدافع ۸۱ بار پیراهن تیم‌ملی انگلیس را بر تن کرد و در چهار دوره جام‌جهانی حاضر بود.

گزارش مقایسه‌ای «شهروند» از تفاوت فرهنگ هواداری در ایران با سایر نقاط دنیا

موج ضعیف ایرانی

جلال چراغپور: هواداران ایرانی فقط دنبال تخلیه روانی خود هستند

رحمان رضایی: آنها از شرایط تیم خود مطلع نیستند

نمای اول: دقیقه ۹۳ بازی تاتنهام و آرسنال در هفته سی و پنجم فصل ۲۰۰۵-۲۰۰۴ لیگ برتر انگلیس. تاتنهام در خانه ۲ بر یک از رقیب دیرینه و تیم بدون شکست آن فصل عقب است. این نتیجه و حتی تساوی، یعنی قطعی شدن قهرمانی رقیب دیرینه آن هم در خانه خودی. داور به نفع میزبان پنالتی می‌گیرد. رابی کین پشت توپ می‌ایستد و بعد از گلی بی‌ثمر همراه هواداران شادی می‌کند. ثانیه‌هایی بعد با به صدا درآمدن سوت پایان، آرسنال قهرمانی بدون شکستش را تثبیت می‌کند اما هواداران تاتنهام همان گل بی‌ثمر رابی کین را خوشحال کننده می‌دانند و با ناراحتی به تلاش تیمشان احترام می‌گذارند.

نمای دوم: دقیقه ۹۱ بازی برگشت پلی آف جام جهانی ۲۰۰۲ در ورزشگاه آزادی بین ایران و جمهوری ایرلند. یحیی گل‌محمدی بی‌ثمرترین گل تاریخ زندگی خود را در هجمه فحاشی و صندلی‌سوزی هواداران عصبانی وارد دروازه گیبن می‌کند، دریغ از عوض‌شدن جو. سوت پایان به صدا درمی‌آید و فحاشی و حرکات زشت بیداد می‌کند؛ بی‌آنکه حتی کلیشه تکراری «چیزی از ارزش‌های ما کم نشد» ذره‌ای کسی را آرام کند.

عکس: مهدی حسنی/ شهروند

شهروند| آلمانی‌ها می‌گویند فرهنگ یک ملت را از سبک رانندگی و فوتبالش بشناس. اگر این گزاره درست باشد، مردم عاشق «حیاکن، رهاکن» استادیوم‌ها، جدا از انسان‌های جامعه‌ای که به خاطر یک دستمال قیصریه را به آتش می‌کشند، نیستند. فوتبال به‌عنوان چهارمین صنعت پولساز، مردمی شبیه فرهنگ هر کشور می‌سازد. تماشاگر انگلیسی تحت هر شرایطی برای تلاش تیمش احترام قائل است چون با این فرهنگ بزرگ شده است. تماشاگر ایرانی اما فقط به دنبال نتیجه است چون زعمای فوتبالی به او اینگونه یاد داده‌اند که فقط اگر ببری، قابل اعتنا هستی و گرنه تو را فراموش می‌کنند. این تفاوت، ناشی از اتفاقات قبل از بازی است! در انگلیس، هوادار از لحظه تصمیم به حضور در ورزشگاه تا لحظه به صدا درآمدن سوت پایان بازی، طبق برنامه‌ریزی قبلی، تکلیف خود را می‌داند؛ از سرویس‌های ویژه درنظر گرفته شده برای هواداران، تا بلیت‌هایی که به شماره تکفیک شده‌اند، جایگاه مخصوص برای صرف غذا و حتی استعمال دخانیات بین دونیمه. این احترام و نظم، شور هوادار برای تشویق را افزایش می‌دهد.

بی‌صبری

فوتبال، آیینه تمام‌نمای مردم یک کشور است و بی‌توجه به روحیات و یادگاری‌های شخصیتی نمی‌توان درباره مدل هواداری حرف زد. مثلا روحیه جنگجویانه ترک‌ها در قالب درگیری‌های گاه مسلحانه هواداران بزرگترین تیم‌هایش (گالاتاسرای، فنرباغچه و بشیکتاش) رخ می‌نماید یا یونانی‌ها در جریان بحران‌های مالی و روزهای تهدید به اخراج از حوزه در گرماگرم یورو ۲۰۱۲، اعتراض‌هایشان را با زبان فوتبالی به گوش صدراعظم آلمان (مشوق اصلی اخراج یونان از یورو به دلیل بدهی‌های سنگین) رساندند. مردم یونان در آن بحبوحه با وجود مشکلات مالی در ورزشگاه‌ها حاضر شدند و تیمشان را تشویق کردند اما در ایران، حالا فقط وقتی از استادیوم لبریز از تماشاگر آزادی خبری شنیده می‌شود که مانند بازی‌های پرسپولیس در آزادی، بلیت رایگان باشد. از طرفی در کشور ما فوتبال به دلایل سیاسی قادر به عریان کردن فاصله‌ها و نشان دادن صریح مخالفت‌ها نیست. برتری تماشاگران ایرانی نسبت به یونانی‌ها، رعایت اعتدال است. آن‌جا که لیگ یونان به خاطر کشت و کشتار در ورزشگاه‌ها به حالت تعلیق درمی‌آید، این‌جا در ایران، غیر از معدود ورزشگاه‌ها، حداقل روی سکوها تنها کنش و واکنش‌های فوتبالی و درگیری‌های بی‌خطر از این جنس، دیده می‌شود.

هر تیمی، یک هوادار

در آلمان، نصف به علاوه یک درصد سهام باشگاه‌ها یا در اختیار هواداران است یا در انحصار سرمایه‌گذاران بومی. این مدل احترام گذاشتن به حق هوادار (شبیه آنچه هواداران رئال و بارسلونا با انتخاب رئیس باشگاه به نمایش می‌گذارند) با آنچه در بدنه اقتصادی باشگاه‌های ما در جریان است، تفاوت دارد. در ایران، نه تنها باشگاه خصوصی به معنای واقعی وجود ندارد، بلکه هواداران هیچ نقشی در انتخابات سطح بالا ندارند. از آن بدتر، ممکن است هوادار با مرگ باشگاهش مواجه شود! طبق سنت چند سال اخیر، باشگاه‌های زیادی با نظر سیاسی‌ها مجبور به تغییر شهر خود شده‌اند؛ آن هم به بهانه یافتن طرفدار در شهری که هیچ‌وقت در لیگ برتر تیم نداشته است! این اتفاق هرگز نه در فوتبال آلمان و نه در هیچ کشور دیگری نمی‌افتد. در آلمان هر شهر و منطقه‌ای یک تیم حاضر در لیگ‌های منطقه‌ای دارد؛ با تعداد مشخصی هوادار و ورزشگاهی حتی ۲ هزار نفره!

نجابت ایرانی، توحش ایتالیایی

نژادپرستی در بین تماشاگران ایتالیایی بیداد می‌کند و تیم‌هایی مانند پادووا، لاتزیو و هلاس ورونا، تریبون رسمی نژادپرستی و آرمان‌های فاشیسم هستند. اگر آنچه در معدود ورزشگاه‌های ایران شنیده می‌شود را نشنیده بگیریم، تقریبا در هیچ ورزشگاه دیگری، اثری از نژادپرستی دیده نمی‌شود و «پان ایرانیسم» هر جایی جریان داشته باشد، نزد هواداران فوتبال ما مطرود است. با وجود تعدد بازیکنان خارجی عمدتا سیاهپوست، گزارش تأیید شده‌ای درباره نژادپرستی روی سکوها دیده نمی‌شود. به مثابه مثل «عیبش که بگفتی، هنرش نیز بگو» باید از این بابت، هواداران سکونشین فوتبال ایران را ستود.

گرفته‌شدن قدرت‌های غیرفوتبالی

جلال چراغپور، کارشناس فوتبال درباره دلایل پایین بودن سطح فرهنگ هواداری در ایران به «شهروند» می‌گوید: «قطعا در ایران نیز مثل تمام نقاط دنیا فوتبال تأثیر زیادی روی جامعه دارد، دقیقا همان‌طور که جامعه روی فوتبال تاثیرگذار است. پس باید برای پیداکردن دلیل این که چرا هواداران وقتی تیمشان نتیجه نمی‌گیرد، به استادیوم نمی‌آیند، جدا از مسائل فنی به مسائل اجتماعی هم توجه کرد. شاید بارها شنیده باشیم که فلان بازیکن یا مربی می‌گوید در فلان ورزشگاه بازی کردن بسیار سخت است اما این قدرت غیرفوتبالی از اکثر تیم‌های ایران گرفته شده است.» او ادامه می‌دهد: «وقتی سطح فوتبال آن‌قدر پایین می‌رود که تماشاگر مجبور است به کمترین ارایه فوتبال زیبا از سوی بازیکنان و حتی پرتاب کردن یک اوت دل‌خوش کند، شاید از یک بازیکن که سانترش با ضربه مدافع حریف تبدیل به گل شده، هم یک بت بسازد. همین رفتارها درنهایت رفتار عمومی را در فوتبال شکل می‌دهد که به شکل فرهنگ در می‌آید.» چراغپور در پایان می‌گوید: «تماشاگران ما با هدف‌های واهی راهی استادیوم می‌شوند. یا برد می‌خواهند یا به دنبال کری خواندن هستند یا تخلیه روانی خود. در این میان نگاه کردن فوتبال زیبا در درجه آخر قرار گرفته است.»

بی‌اطلاعی هوادار از شرایط تیم

رحمان رضایی، لژیونر سابق فوتبال ایران درباره تفاوت فرهنگ هواداران ایرانی و اروپایی به «شهروند» می‌گوید: «دلیل این اتفاق را باید از داخل باشگاه‌ها جست‌وجو کرد، نه تماشاگران. این باشگاه‌ها هستند که تماشاگران را جذب می‌کنند اما به نظر می‌رسد در ایران برعکس است و آنها تماشاگران را از خود دور می‌کنند.»

او اینگونه حرف‌هایش را به پایان می‌برد: «تماشاگران به تنها چیزی که دل بسته‌اند، نتیجه است و چون سر تمرین نمی‌روند و شرایط بازیکن را نمی‌دانند، از او انتظار بیش از توانش دارند. شاید آن بازیکن مصدوم باشد یا اصلا پولش را نگرفته اما تماشاگر ایرانی فقط ۲ نقطه را می‌بیند؛ یکی ابتدای فصل که فلان بازیکن آن‌قدر پول گرفته و آخر فصل که چقدر برای تیمش گل زده یا امتیاز آورده است.»

کار بزرگ رشته آبی، پاسخ حمایت بجای وزارت ورزش

واترپلو در مسیر پیشرفت جهانی

شهروند| پنجمین دوره مسابقات توسعه جهانی طی روزهای ۳ تا ۸ خردادماه به میزبانی تهران برگزار شد که شاید بتوان آن را بزرگترین میزبانی تاریخ برای فدراسیون شنا، شیرجه و واترپلو نامید.

قهرمانی مقتدرانه

رقابت‌های توسعه جهانی واترپلو که با حضور تیم‌های درجه ۲ و ۳ این رشته برگزار می‌شود، در استخر ۹ دی تهران پیگیری شد. درنهایت از میان ۱۰ تیم حاضر در این رقابت‌ها که مسابقات خود را در ۲ گروه دنبال کردند، تیم‌های ایران و اروگوئه موفق شدند به دیدار نهایی مسابقات پای بگذارند. تیم ایران در فینال هم با نتیجه ۱۳ بر ۵ به برتری رسید و جام قهرمانی را بالای سر برد.

شروع یک راه تازه

از میان ۳ رشته شنا، شیرجه و واترپلو تنها رشته‌ای که توانسته پتانسیل بالای خود را در سطح آسیا و جهان نشان دهد، واترپلو بوده است. حتی وزیر ورزش نیز با حضورش در دیدار فینال از این رشته حمایت کرد و قول پاداش هم به ملی‌پوشان داد. به نظر می‌رسد میزبانی از این رقابت‌ها می‌تواند شروع یک راه تازه برای تیمی باشد که قبلا با قهرمانی در کاپ آسیا نیز توانایی‌های خود را به رخ کشیده بود.

رضوانی: هنوز راه زیادی در پیش داریم

محسن رضوانی، رئیس فدراسیون شنا، شیرجه و واترپلو درباره میزبانی و قهرمانی ایران در مسابقات توسعه جهانی واترپلو می‌گوید: «در ابتدای امر انتقادات زیادی از میزبانی ایران برای برگزاری این مسابقات و هزینه‌های مربوط به آن صورت می‌گرفت که همگان دیدند که این موارد چگونه مدیریت شد و پیکارها هم با قهرمانی ایران به اتمام رسید. شکر خدا با زحمات کادر اجرایی فدراسیون و عوامل استخر ۹ دی این رقابت‌ها به خوبی برگزار شد. برگزاری این مسابقات دستاوردهای زیادی برای واترپلوی کشورمان دربرخواهد داشت. این شروعی تازه برای واترپلوی کشور است و ما راه زیادی در پیش خواهیم داشت.»

از رشته‌های دیگر غافل نشویم

با وجود ارزش بالای کاری که برای واترپلو انجام شده تا این رشته در مسیر پیشرفت قرار بگیرد، فدراسیون مربوطه نباید از ۲ رشته دیگر زیرمجموعه خود غافل شود. شنا یکی از رشته‌های پرمدال بازی‌های آسیایی و المپیک است و ایران همواره از دستیابی به مدال در آن بازمانده و شیرجه که گاهی اوقات حتی در انتخاب ترکیبش برای تیم‌ملی نیز مربیان دچار مشکلاتی هستند

تاثیرات انتخاب مجدد بلاتر روی فوتبال جهان

قاره کهن، برنده بزرگ

شهروند| برخلاف تصور، اتفاقات قبل و حین انتخاب رئیس فیفا بیش از حوادث بعد از حضور مجدد بلاتر روی تصمیم‌ساز ترین صندلی دنیا بود. ساعت‌ساز سابق سوییسی درحالی برای چهارمین بار انتخاب شد که در دور اول مبارزه با بن‌حسین اردنی، ۱۳۳ رأی را به خود اختصاص داد اما بدون احتساب ۲ رأی باطله به خاطر ۷۳ رأی رقیب اردنی، حدنصاب لازم برای برتری در دور اول را به‌دست نیاورد. به نظر می‌رسید رقابت در دور دوم جدی‌تر دنبال شود اما ناگهان بن‌حسین استعفا کرد و بلاتر، بی‌رقیب برای یک دوره دیگر رئیس فیفا شد.

آینده فوتبال با بلاتر

بلاتر پس از انتخاب مجدد از احتمال نماندن در این سمت حرف زد و در سوی مقابل افرادی مانند رئیس فدراسیون فوتبال آلمان، پیر بودن پیرمرد ۷۹ ساله را دلیلی برای تغییر نکردن او و سازمان تحت هدایتش می‌دانند. از سوی دیگر، مدیر اجرایی فوتبال هلند رأی کشورهای کوچک به نفع بلاتر را عامل انتخاب دوباره او قلمداد کرد. فیگو در مصاحبه‌ای انتخابات فیفا را زیر رگبار انتقاد قرار داد. پلاتینی هم احیای فیفا را در گرو حذف نام بلاتر و از بین رفتن ساختار فعلی دانست. از سوی دیگر، علاوه بر کفاشیان، روسا و افراد صاحب نفوذ بیشتر کشورهای آسیایی پس از برنده شدن فرد منتخب خودشان، پیام تبریک‌هایی به مقصد ساختمان شیشه‌ای فیفا فرستادند تا لطف به بلاتر را تمام کرده باشند! حالا احتمالش کم نیست به پاس این همه صداقت آسیا (تنها قاره‌ای که در حضور یک آسیایی تا پایان پای بلاتر ایستاد!) در جام جهانی آینده صاحب یک نماینده اضافه خواهد شد و احتمالا این افزایش با کسر یک تیم از اروپا (محل تجمع بزرگترین مخالفان بلاتر) جبران خواهد شد. هنوز چند ساعتی از برتری بلاتر نگذشته، قاره سبز مواضع بسیار تندی علیه نفر برنده اتخاذ کرده و انتظار می‌رود در آینده یوفای همیشه درگیر با فیفا، بیشتر از قبل وارد یک جنگ خودخواسته شود. پلاتینی، بارها علیه بلاتر مصاحبه کرده و این بار مثل اکثر اوقات ۲ دهه اخیر، نوبت جواب دندان‌شکن بلاتر است!

بی‌تکنولوژی

علاوه بر احتمال افزایش سهمیه آسیا و درگیری با اروپا، واژه‌ای به نام فرار از تکنولوژی هم یکی دیگر از برنامه‌های بلاتر تا زمان ریاست بر فیفاست. او بارها مخالفت خود با ورود تکنولوژی را اعلام کرد و به نظر نمی‌رسد در این چند صباح باقی‌مانده از سال‌های زندگی‌اش، تغییری در ایده‌های او به‌وجود بیاید. بلاتر شیفته سیستم میزبانی چرخشی در جام‌جهانی است و در این شرایط و با توجه به این که امکان رشوه‌گرفتن و انتخاب میزبان به شکل دلخواه (مانند انتخاب روسیه و مخصوصا قطر به‌عنوان میزبانان جام‌های جهانی ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲) وجود دارد، قطعا خیلی از کشورهایی که حداقل علاقه ندارند به شخص بلاتر باج بدهند، در صورت دیدن پشت‌گوششان، میزبانی بزرگترین رویداد فوتبالی را به چشم خواهند دید!

جام‌های جعلی

بلاتر به ادامه برگزاری رقابت‌های کم‌هیجانی مانند جام‌جهانی باشگاه‌ها علاقه خاصی دارد و به خاطر گردش مالی ایجاد شده توسط این تورنمنت‌ها، برخلاف نظر عموم مایل نیست قهرمان جهان مانند گذشته از طریق یک بازی بین قهرمانان رقابت‌های باشگاهی قاره‌بر تر (آسیا و آمریکای جنوبی) انتخاب شود. از آنجایی که شخص بلاتر، وعده اصلاحات و نه انقلاب را داده است، می‌توان انتظار داشت علاوه بر جام‌جهانی باشگاه‌ها، تورنمنت‌های بی‌اهمیت اما پولساز دیگری هم سر برآورند. البته ادامه حضور او روی میز ریاست فیفا، یک نفع بزرگ دارد و آن، باقی‌ماندن فوتبال در شرایط فعلی و نیفتادن در دام افکار سوسیالیستی امثال پلاتینی (موافق بزرگ تخصیص سهمیه مساوی برای لوکزامبورگ و انگلیس) است؛ هر چند ماندن در شرایط فعلی برای فوتبالدوستان جای چندان امیدی باقی نمی‌گذارد و باید دید مطابق آنچه بلاتر وعده داده، کشتی فوتبال از طوفان فعلی به ساحل امن آرامش می‌رسد یا در به‌روی همان پاشنه می‌چرخد؟

پاپاراتزی

ستون ثابت یکشنبه‌ها

زندگی شخصی رافائل نادال زیر ذره‌بین

رکورددار همه خوب‌ها

شهروند| پسری که بنا بر اظهاراتش، اعتقادات مذهبی چندانی ندارد، بیش از بسیاری از مذهبی‌های عالم ورزش به موسسات خیریه کمک می‌کند و در عرصه نیکوکاری، چندگامی از همه ورزشکاران دنیا پیش است. رافائل نادال برای اولین بار از زمان اولین قهرمانی‌اش در رقابت‌های تنیس گرنداسلم رولان گاروس با رتبه هفتم وارد کارزار پاریس شده و در صورت کسب دهمین قهرمانی در یازدهمین سال حضورش در این رقابت‌ها، افسانه می‌شود؛ افسانه‌ای البته نه ماندگارتر از قصه‌هایی که درباره فعالیت خیرخواهانه‌اش وجود دارد.

تاسیس بنیاد خیریه

برادرزاده میگوئل آنخل نادال (بازیکن سابق شاغل در لالیگا) به‌عنوان یک هوادار دوآتشه رئال مادرید (برخی بازی‌های او به‌طور مستقیم از نمایشگر بزرگ ورزشگاه برنابئو پخش می‌شود) نوامبر ۲۰۰۷، پروژه تأسیس یک بنیاد خیریه را کلید زد و سرانجام فوریه ۲۰۰۸، از موسسه خیریه‌اش رونمایی کرد. او هدف خود از چنین کاری را کمک به زندگی بهتر کودکان و نوجوانان در کشورهای توسعه‌نیافته و فقیر دانست. البته امور خیریه برنده ۹ رولان گاروس، یک ملبورن، ۲ ویمبلدون و ۲ اوپن آمریکا و یکی از تنها ۲ فاتح همه گرنداسلم‌ها و طلای انفرادی مردان المپیک، تنها به این موسسه ختم نمی‌شود. نادال سال ۲۰۱۰ در جریان رقابت‌های تنیس تایلند در طرح «یک‌میلیون درخت به افتخار پادشاه» شرکت کرد. این پروژه به قصد پاسداشت طبیعت انجام شد و قرار بود هر ساعت، یک اصله نهال به دست افراد حاضر در پروژه، کاشته شود. نادال، وظیفه خود را به بهترین نحو انجام داد و نامی نیک‌تر از گذشته از خود به جای گذاشت.

زندگی شخصی

آن‌قدر که درباره امور خیریه نادال صحبت شده، زندگی شخصی او مورد توجه رسانه‌ها قرار نگرفته است. شاید هم موضوع به کم‌حاشیه بودن او مرتبط می‌شود. رافا تا چندی قبل همراه خواهر کوچک‌تر از خود و پدر و مادرش در یک آپارتمان ۵ طبقه در زادگاهش واقع در ماناکور منطقه مایورکا، زندگی می‌کرد. ژوئن ۲۰۰۹ رسانه‌ها از جدایی پدر و مادر او خبر دادند. کارتون مورد علاقه او «جوکو» بود و رافا در خاطراتش به این موضوع اشاره کرد که برای دیدن این مجموعه، مسیر مدرسه تا خانه را پیاده طی می‌کرد. نادال علاوه بر تنیس و فوتبال به گلف، علاقه زیادی دارد.

ذره‌بین

سیاه‌جامگان و فولادنوین لیگ برتری نمی‌شوند!

صعود کرده‌های بی‌نوا

شهروند| حدود یک‌ماه از رسمی شدن صعود دو تیم سیاه‌جامگان مشهد و فولادنوین اهواز به لیگ برتر فوتبال می‌گذرد اما این دو باشگاه هنوز نتوانسته‌اند مجوز حضور در لیگ‌برتر را بگیرند. قصه فولادنوین همسانی منابع مالی‌اش با باشگاه فولاد است و به همین خاطر باید امتیاز خود را به تیم دیگری واگذار کند. از سوی دیگر مقامات استانی سعی دارند امتیاز فولادنوین در خوزستان باقی بماند. همین مسأله باعث شده تا متقاضیان زیادی برای خرید امتیاز باشگاه جلو نیایند و این باشگاه در بلاتکلیفی محض باشد. سیاه‌جامگان اما مشکلات زیرساختی فراوانی دارد. این تیم بنا به گفته مسئولان استانی امکانات سخت‌افزاری لازم برای حضور در لیگ‌برتر را دارا نیست و حتی شایعه فروش امتیاز سیاه‌جامگان نیز مطرح شده است. این در حالی است که اکثر تیم‌های لیگ برتری کار خود را برای حضور در نقل و انتقالات و بستن تیم برای سال آینده شروع کرده‌اند و با ادامه روند کنونی دو باشگاهی که از لیگ یک به لیگ برتر صعود کرده‌اند، زمان را از دست می‌دهند و حتی خریداران احتمالی دو باشگاه نیز نمی‌توانند برای سال بعد کاری از پیش ببرند.

تیتر بازی

- محمود گودرزی دیروز به عیادت محمد مایلی کهن پیشکسوت فوتبال ایران رفت.
- دیدار برگشت پلی آف لیگ برتر امروز میان تیم‌های مس و استقلال خوزستان در کرمان برگزار می‌شود.
- مارسلو، ستاره برزیلی رئال مادرید به خاطر مصدومیت، حضور در کوپا آمریکا را از دست داد.
- احسان حدادی در مرحله سوم مسابقات پرتاب دیسک لیگ دوومیدانی الماس در آمریکا ششم شد.
- رقابت‌های فصل آینده لالیگای اسپانیا ۲۵ مرداد آغاز می‌شود.

گری نویل: مسی و رونالدو به خاطر بلاتر باید جام‌جهانی را تحریم کنند

کفاشیان: دستگیری‌ها از قبل برنامه‌ریزی و هماهنگ شده بود

کفشگری: درخشان فکر می‌کرد بازیکن دایی هستم و بازی‌ام نمی‌داد

قنبرزاده: قرار گرفتن منصوریان در گزینه‌های استقلال غیراخلاقی است